

به نام خداوند بخشنده

معنی کلمات درس دوازدهم؛

«اتفاق ساده»

سنگر : پناهگاه

اتفاق : رویداد ، حادثه ، پیشامد

جبهه : محلّ جنگ ، میدان جنگ

سطر آخر : خطّ آخر

غلتیدن : قِل خوردن

تگرگ : باران یخ زده

حومه : اطراف

مختصر : کوتاه

حسرت : اندوه ، آه ، افسوس

گویی : مثل اینکه

تن : نفر

لاشه : جنازه ، جسد

سرایت کردن : منتقل شدن

اسرار : رازها

### **مخالف کلمات :**

جنوب : شمال

همیشه : هیچوقت

سایه : روشن

قرار : فرار

شوق : اندوه

مهربان : نامهربان

ساده : مشکل

پشت : رو

حومه ی شهر : داخل شهر

مختصر : کامل

راضی : ناراضی

سواد : بی سواد

فقر : ثروت

پاک : کثیف

پنهان : آشکارا

### هم خانواده ها :

ظرف ، ظریف ، ظرافت ، مظروف

قرار ، مقرر

مختصر ، اختصار

جنوب ، جنب ، جانب

حفظ ، حافظ ، محفوظ ، حفاظت ، حفاظ

وضع ، اوضاع ، موضوع

علاقه ، علقه

سعدی ، سعد ، مسعود ، سعید ، سعادت

ظلم ، ظالم ، مظلوم ، تظلم

لازم ، لزوم ، ملزم ، التزام

**موفق باشيد :** « فخمى »